

اثر متقابل آزادی اقتصادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

مرجان زمانی

کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه گنبدکاووس

محسن محمدی خیاره^۱

استادیار اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس

رضا مظهري

استادیار اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس

DOI: 10.22067/erd.2021.18827.0

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در این پژوهش، تأثیر متقابل شاخص‌های آزادی اقتصادی (حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز) و کارآفرینی بر رشد اقتصادی در نمونه‌ای شامل ۶۶ کشور منتخب درحال توسعه و توسعه‌یافته برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۸ بررسی می‌شود. هدف، ارزیابی چگونگی و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های آزادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب از کانال فعالیت‌های کارآفرینانه است. مدل تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی و با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برآورد گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر متقابل کارآفرینی و شاخص‌های آزادی اقتصادی کل، حاکمیت قانون، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده است. این نتایج گویای آن است که درجه بالاتر آزادی اقتصادی از طریق افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌تواند به رشد اقتصادی بالاتر بینجامد. همچنین، تأثیر متقابل کارآفرینی و اندازه دولت در کشورهای توسعه‌یافته مثبت و در کشورهای درحال توسعه معنادار نشده است که بیانگر تأثیر متفاوت هزینه‌های مختلف دولت بر رشد اقتصادی است. علاوه بر این، نتایج نشان داد که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته مثبت و معنادار و در کشورهای درحال توسعه منفی و معنادار بوده است. در نتیجه، به منظور ایجاد محیط کسب و کار مناسب برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، سیاست‌گذاری دولت‌ها باید در جهت بهبود آزادی اقتصادی از طریق تدوین قوانین مناسب جهت تسهیل سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش تعرفه‌ها و رفع موانع غیرتعرفه‌ای باشد. کاهش دخالت دولت در سیستم بانکی، کاهش نرخ مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها، انعطاف در قوانین در بازار کار، استقلال دستگاه قضایی و نهایتاً کاهش میزان فساد از دیگر اقدامات ضروری است تا زمینه رشد کسب و کارها و فعالیت‌های کارآفرینی فراهم شده و متعاقباً موجب بهبود و ارتقای رشد اقتصادی شود.

کلیدواژه‌ها: آزادی اقتصادی، حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی قوانین و مقررات، بازارهای باز.

m.mohamadi@gonbad.ac.ir

^۱ نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

صفحات: ۱۷۴-۱۳۹

۱- مقدمه

از آغاز قرن گذشته، نرخ رشد بالا یکی از اساسی‌ترین اهداف اقتصادی کشورها به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفته شد. در همین راستا نظریه‌پردازان اقتصادی دریافتند که رشد پایدار علاوه بر مهیا بودن عوامل اقتصادی مستلزم عوامل غیر اقتصادی (کیفیت نهادها، نوآوری، سرمایه انسانی، کارآفرینی) است که ارتباط متقابل این عوامل در رشد اقتصادی انعکاس پیدا می‌کند. اقتصاددانان کلاسیک اولین کسانی بودند که برای اصالت دادن به نهاد بازار و استقلال آن از دولت، برای رشد و توسعه اقتصادی تلاش تأثیرگذاری کردند. از دیدگاه این اقتصاددانان، بدون استقلال نهاد بازار از نهاد دولت، رقابتی بین تولیدکنندگان صورت نخواهد گرفت و کارآفرینی اتفاق نخواهد افتاد و رشد اقتصادی در یک سطح حداقلی باقی خواهد ماند. از طرفی، توجه مستقیم به تأثیر نهادها در اقتصاد را باید به اواخر قرن نوزدهم میلادی و انتشار کتاب نظریه طبقه مرفه^۱ تورستن ویبلن^۲ ارجاع داد. از این منظر، بازارهای رقابتی و خلاقیت و نوآوری موجب پیشرفت تکنولوژی و کاهش هزینه‌های تولید و بنابراین رشد اقتصادی می‌شود. هرچند نظریه "نزولی بودن نرخ سود" مارکس بحران و سقوط نظام بازار را پیش‌بینی کرد ولی نظریه "تخریب خلاقانه"^۳ شومپیتر^۴ با مطرح کردن رقابت انحصاری در صنایع ضمن اشاره به نقش کارآفرینان به‌عنوان عاملی مهم و تعیین‌کننده در رشد و توسعه اقتصادی، بر تأثیرگذاری عامل مذکور برای حیات اقتصاد سرمایه‌داری صحنه گذاشت. بدون شک اغلب اقتصاددانان به رابطه سه‌گانه و تفکیک‌ناپذیر "بازار رقابتی- کارآفرینی- رشد اقتصادی" اصرار می‌ورزند و حتی در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی عامل سرمایه انسانی (کارآفرین) از اهمیت دو چندان برخوردار شده است، که این مهم در نظریه‌های کلاسیک، مارکس، و استوارت میل به‌خوبی قابل مشاهده است.

همانطوری که اشاره شد نقش کارآفرینی در اقتصاد و ایجاد اشتغال به‌وفور توسط محققان و سیاست‌گذاران مورد بررسی قرار گرفته است. بحران جهانی اخیر و وقوع بیکاری‌های گسترده و کاهش رشد اقتصادی در بسیاری از اقتصادها، اهمیت خوداشتغالی و کسب و کارهای کارآفرینانه را دو چندان کرده است. به‌علاوه، در راستای کاهش وظایف دولت‌ها برای رفع بیکاری و توسعه کارآفرینی، ابتکارات و

¹ The theory of the Leisure class

² Thorstein Veblen

³ Creative Destruction

⁴ Schumpeter

سیاست‌گذاری‌های مختلفی برای اطمینان از موفقیت کارآفرینان در نظر گرفته شده است که از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد چارچوب‌های نهادی مناسب برای اطمینان از موفقیت کارآفرینان است. یکی از حقایق آشکار شده در اقتصاد همواره این بوده است که فعالیت‌های کارآفرینی موجب رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد (Minniti, 2008)؛ اما با وجود این، کارآفرینی تنها زمانی می‌تواند نقش معناداری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها داشته باشد که به تدوین سیاست‌های نهادی برای حمایت از این‌گونه فعالیت‌ها شود (Bjørnskov & Foss, 2013; Baumol & Strom, 2007; Levie et al., 2014). در همین زمینه، نظریه نهادی نورث^۱، که بر این فرض استوار است که محیط نه تنها در تصمیم‌گیری فردی برای کارآفرین شدن، بلکه بر ماهیت کسب‌وکار افراد و متعاقباً بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها نیز تأثیر می‌گذارد، زمینه را برای نقش نهادها در کارآفرینی فراهم کرده است (Minniti & Lévesque, 2008). البته باید به این نکته اشاره شود برای اینکه فعالیت کارآفرینی به رشد اقتصادی منتهی شود، کارآفرینان باید بدون نگرانی از تضییع حقوق مالکیت خصوصی از طرف دولت یا دیگران، آزادانه عمل کنند. کارآفرینان در چارچوب یک بازار آزاد به انگیزه‌های بازار و علامت‌دهی قیمتی عکس‌العمل نشان می‌دهند، و این مهم منجر به روند بازار کارآمد می‌شود؛ بنابراین، همان‌طور که کشورها از طریق حمایت از مالکیت خصوصی، کاهش مقررات و مالیات‌ها و محدود کردن فرصت‌های رانت‌جویی، زمینه آزادی اقتصادی بیشتری را فراهم می‌آورند؛ این امر به کیفیت نهادی بهتر منجر می‌شود که خود به ترویج کارآفرینی مولد و افزایش رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند (Gwartney & Lawson, 2009; Wiseman & Young, 2013). در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم برای فعالیت کارآفرینانه، تا حدی بستگی دارد به اینکه آیا نهادها از آزادی اقتصادی حمایت می‌کنند یا خیر؟ به عبارت دیگر، جایی که در آن کنترل‌های سخت و دست و پاگیر دولتی وجود ندارد، شرایط لازم برای ظهور یک فرهنگ کسب‌وکار کارآفرینانه پدید می‌آید. با وجود این، در بسیاری از اقتصادها این روند اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا نهادهایی که قرار است فعالیت‌های کارآفرینی را ارتقا دهند، بالعکس، فعالیت‌های کارآفرینی را محدود می‌کنند؛ بنابراین، هدف اصلی در مطالعه حاضر، بررسی نحوه تأثیر آزادی اقتصادی و فعالیت‌های کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته است. در واقع، با توجه به اهمیت آزادی اقتصادی و کارآفرینی در شکل‌گیری رشد اقتصادی، سؤال اساسی که مطالعه حاضر می‌خواهد پاسخ دهد این است که کارآفرینی و

¹ North

آزادی اقتصادی تا چه اندازه می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد، به‌طور خاص، این مقاله سعی دارد به سه سؤال پاسخ دهد: (۱) کارآفرینی چگونه بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ (۲) آزادی اقتصادی چگونه بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ (۳) نقش آزادی اقتصادی در رابطه بین فعالیت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی چیست؟

اغلب مطالعات گذشته یا به بررسی رابطه بین کارآفرینی و رشد اقتصادی (Carree & Thurik, 2010; Iamsiraroj, 2016; Stam & Van Stel, 2011; Sergi, 2019; Kacprzyk, 2016; Stam & van Stel, 2011; Al-Gasaymeh, 2020; Carlsson & Lundström, 2002)، پرداخته‌اند و مطالعاتی با تأکید بر اثر همزمان آزادی اقتصادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی کمتر مورد توجه بوده است. همچنین در بسیاری از مطالعات صرفاً به نقش شاخص کل آزادی اقتصادی بر کارآفرینی و یا رشد اقتصادی اشاره شده است. در مطالعات داخلی انجام شده (Mohammadzadeh et al., 2019; Behvar et al., 2016)، نیز نویسندگان به تأثیر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی صرفاً بر اساس شاخص آزادی اقتصادی کل پرداخته‌اند و اجزا شاخص آزادی اقتصادی مد نظر قرار نگرفته است و همچنین تأثیر متقاطع آن‌ها بر رشد اقتصادی مد نظر نبوده است؛ که بررسی اثرگذاری زیر شاخص‌های فرعی آزادی اقتصادی بر کارآفرینی و رشد اقتصادی در مطالعه حاضر دیگر نوآوری مطالعه حاضر است. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که آزادی اقتصادی از مهم‌ترین عوامل تغییرات فعالیت‌های کارآفرینی در مراحل مختلف توسعه اقتصادی است (Saunoris, & Sajny, 2017)؛ بنابراین، در مطالعه حاضر این مهم در دو گروه کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی بررسی تأثیر همزمان کارآفرینی و آزادی بر رشد اقتصادی در کشورهای بر حسب میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها به دلیل دسترسی نابرابر کارآفرینان به نهادهای رسمی (مانند آزادی اقتصادی) در کشورهای در حال توسعه ضروری است. همچنین، تحلیل وضعیت کشورها بر حسب میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها، ارائه پیشنهادها سیاستی مناسب را در این کشورها فراهم می‌کند. در ادامه مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. ابتدا مبانی نظری و سپس مطالعات تجربی بررسی می‌شود، در بخش سوم روش‌شناسی پژوهش ارائه و مدل تحقیق برآورد و در بخش چهارم نتایج به دست آمده تفسیر می‌گردد. در بخش پایانی نیز جمع‌بندی و پیشنهادها سیاستی ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- کارآفرینی و رشد اقتصادی

نظریه رشد اقتصاددانان کلاسیک، به ویژه اسمیت، ریکاردو، و مالتوس و همچنین نظریه رشد مارکس تأکید بر درون‌زا بودن رشد اقتصادی داشتند. هرچند از نظر آن‌ها عوامل سرمایه، نیروی کار و زمین در یک محیط رقابتی، محور رشد اقتصادی به حساب می‌آید ولی آن‌ها از نقش نهادها و سرمایه انسانی غافل نبودند. Romer (2012) در فصل سوم کتاب خود به رشد درون‌زا می‌پردازد و اهمیت دانش و عامل تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی گوشزد می‌کند، متغیرهایی که در مدل‌های رشد قبلی مغفول مانده بودند. با مروری بر ادبیات رشد اقتصادی می‌توان دریافت که اخیراً مطالعات زیادی به بررسی رابطه بین کارآفرینی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند؛ اما می‌توان وجه تمایز این مطالعات را بر اساس توضیح‌های متفاوت آن‌ها از اهمیت نقش کارآفرینی به عنوان عاملی مهم در روند رشد اقتصادی کشورها بیان کرد. مطالعات نئوکلاسیک درباره رشد اقتصادی نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم رشد که به نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود نیروی انسانی است. این در حالی است که در تئوری رشد درون‌زا فرض بر این است که رشد اقتصادی به انباشت دانش و انتشار آن از طریق فعالیت‌های کارآفرینانه بستگی دارد (Carree & Thurik, 2008; Braunerhjelm et al, 2010). سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و تحقیق و توسعه (R&D) هم باعث ایجاد دانش برای صاحبان مشاغل موجود و هم باعث سرریز دانش برای کارآفرینان جدید می‌شود (Braunerhjelm et al, 2018; Acs et al, 2009). پس‌ازاین، محققان با الگو قرار دادن اقتصاد نئوکلاسیک عوامل دیگری همچون کارآفرینی را برای رشد اقتصادی معرفی کردند. از آنجایی که کارآفرینان با ایجاد مشاغل، معرفی فرصت‌های کسب و کار جدید و ظهور نوآوری‌های جدید، باعث ایجاد رقابت در بین کسب و کارهای موجود و رقابت‌پذیری بالاتر اقتصادی می‌شوند، لذا می‌توان فعالیت‌های کارآفرینی را به عنوان یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی به حساب آورد. به‌طور کلی می‌توان اظهار داشت که انباشت عوامل و رشد بهره‌وری منابع اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. از طرف دیگر بر اساس مطالعه شاکری (۱۳۸۷) عواملی مانند آموزش نیروی کار، فرهنگ کار، نظام حقوقی و قانونی، و زیرساخت‌های اقتصادی که از اهمیت زیادی در رشد اقتصادی برخوردار هستند از مدل رشد نئوکلاسیکی حذف شده‌اند.

محققان زیادی معتقدند که کارآفرینی می‌تواند با معرفی نوآوری‌ها، گسترش دانش، افزایش رقابت و افزایش تنوع مشاغل، در رشد اقتصادی سهم بسزایی داشته باشد (Schumpeter, 1934; Wennekers & Thurik, 1999; Acs et al, 2018; Bosma et al, 2018). در برخی پژوهش‌ها استدلال شده است که،

کارآفرینی می‌تواند سبب افزایش رشد اقتصادی شود، اما این تأثیر به نوع انگیزه شروع فعالیت کارآفرینی بستگی دارد (Acs & Varga, 2005; Van Stel et al, 2005; Sautet, 2013)؛ و استدلال آن‌ها بر این فرض استوار است که سطح توسعه اقتصادی کشورها یکی از عوامل مهم در تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی است. در همین راستا، اگرچه نقش کارآفرینی در دستیابی به رشد اقتصادی به‌طور گسترده‌ای اثبات شده است، نتایج برخی مطالعات دیگر نشان می‌دهد که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی با توجه به میزان توسعه‌یافتگی یک کشور متفاوت است. همچنین مطالعه (Lepojec et al, 2012; Acs et al, 2012) نشان می‌دهد که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای درحال توسعه مثبت و یا بیشتر است. با وجود این، درحالی‌که یافته‌های (Stam et al, 2011; Sautet, 2013) حاکی از این است که کارآفرینی در کشورهای با درآمد بالا تأثیر معناداری ندارد ولی این تأثیر در کشورهای با درآمد کمتر، قابل توجه است. در همین زمینه، بررسی ون استل و همکاران (۲۰۰۵) تصریح می‌کند که چگونه فعالیت‌های کارآفرینی بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارد. همچنین آن‌ها دریافتند که کارآفرینی، با توجه به سطح توسعه اقتصادی کشورها بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارد. نتایج مطالعه (Van Stel et al, 2005) نشان داد که میزان فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای فقیر تأثیر منفی و در مورد کشورهای ثروتمند تأثیر مثبت دارد (والیر و پترسون، ۲۰۰۹) نیز در تحقیقی مشابه، به بررسی تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در نمونه‌ای از ۴۴ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه پرداختند و نتیجه گرفتند که میزان سهم کارآفرینی در رشد اقتصادی به نوع فعالیت‌های کارآفرینی و سطح توسعه اقتصادی کشورها وابسته است. مطالعه استام و وان استل (۲۰۱۱) که به بررسی نقش کارآفرینی در رشد کشورهای کم‌درآمد هیچ تأثیری در رشد اقتصادی ندارد، درحالی‌که این تأثیر در کشورهای در حال گذار و کشورهای با درآمد بالا، قابل توجه است (Stam & Van Stel, 2011). مطالعه دولتری و همکاران، (۲۰۱۸)، تأثیر منفی کارآفرینی بر توسعه منطقه‌ای کشورهای درحال توسعه را نتیجه گرفتند، و اذعان داشتند که ممکن است دلیل این تأثیر منفی کیفیت ضعیف نهادهای دولتی باشد (Dvouletý et al, 2018). بودروکس و نیکولاو (۲۰۱۹) نیز استدلال کردند که در کشورهای متوسط و پردرآمد، کارآفرینی فرصت‌گرا تأثیر مثبت و در کشورهای کم‌درآمد، کارآفرینی ضرورت‌گرا تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد (Boudreaux & Nikolaev, 2019). مطالعه دوران و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۵۵ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه، نشان می‌دهد که نگرش‌های کارآفرینانه بر تولید ناخالص داخلی سرانه

در کشورهای با درآمد بالا تأثیر مثبت و معنادار، درحالی که فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر منفی در کشورهای با درآمد متوسط و پایین دارد (Doran et al., 2018). یافته‌های این بخش بیانگر این مطلب است که ارتباط بین محیط رقابتی، کارآفرینی، و رشد اقتصادی از دوره کلاسیک‌ها وجود داشته و نقش نهادها و سرمایه انسانی در نظریه‌های رشد کلاسیک‌ها، مارکس و استوارت میل مطرح بوده است. در مطالعه (Mankiw et al., 1992)، با وارد کردن سرمایه انسانی در مدل رشد سولو و بعدها در مطالعه (Romer, 2012) این روند ادامه پیدا کرد. در مطالعات تجربی به این جمع‌بندی دست یافتیم که رابطه بین کارآفرینی و رشد وجود دارد ولی درجه و معنادار بودن آن‌ها در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته یکسان نیست.

۲-۲- آزادی اقتصادی و کارآفرینی

آزادی، زیربنای اقتصاد بازار است. آنچه از سوی نظریه‌پردازان اقتصاد آزاد مطرح شده این است که آزادی، وسیله تحقق مصالح عمومی بر پایه منافع شخصی است که برای تولیدکننده، حداکثر سود و برای مصرف‌کننده حداکثر مطلوبیت را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس، آزادی افراد در مبادلات اقتصادی و عدم مداخله دولت در این چارچوب به جز مواردی که بازار به تأمین آن‌ها پردازد، موجب رشد تولید و تعادل در اقتصاد می‌شود. معروف‌ترین شاخص‌های آزادی اقتصادی در سطح بین‌المللی، شاخص آزادی اقتصاد جهانی^۱ موسسه فریزر و شاخص آزادی اقتصادی^۲ بنیاد هریتیج^۳ هستند. البته این دو شاخص از نظر مؤلفه‌ها شباهت زیادی دارند و در دسته‌بندی و ترکیب مؤلفه‌ها تفاوت‌های اندکی وجود دارد. بنیاد هریتیج در ویرایش سال ۲۰۰۷ تغییراتی را در روش رتبه‌بندی خود ایجاد کرده است. در روش قبلی امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۱ تا ۵ تعیین می‌شد و کسب امتیاز بالاتر به معنی آزادی اقتصادی کمتر بود. ولی در روش جدید، امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله بین صفر تا ۱۰۰ درصد تعیین می‌شود و کسب امتیاز بالاتر به معنای آزادی اقتصادی بیشتر است. امتیاز شاخص کل تا سال ۲۰۱۶ از میانگین ساده امتیازات ۱۰

^۱ Economic Freedom of the World (EFW)

^۲ Economic Freedom Index (EFI)

^۳ بنیاد هریتیج یک مؤسسه تحقیقاتی آموزشی است که در سال ۱۹۷۳ در واشنگتن تأسیس شده و از سال ۱۹۹۵ با همکاری مجله وال استریت، سالیانه به محاسبه شاخص آزادی اقتصادی کشورها و رتبه‌بندی آنها می‌پردازد و با گذر زمان به تکمیل و تجدیدنظر در این شاخص اقدام می‌کند و داده‌های آن از سال ۱۹۹۵ در وب سایت (www.heritage.org) موجود است.

شاخص فرعی تعیین شده بود که در سال ۲۰۱۷ دو شاخص اثربخشی قضایی و سلامت مالی به زیرشاخص‌ها اضافه گردیده است. بنیاد هریتیج درجه آزادی اقتصادی کشورها را با استفاده از این ۱۲ زیرشاخص می‌سنجد. این ۱۲ مؤلفه در چهار گروه عمده دسته‌بندی می‌شوند و در نهایت، رتبه و امتیاز کشورها از لحاظ آزادی اقتصادی در قالب گزارشی سالانه منتشر می‌شود. این چهار گروه عمده که بنیاد هریتیج از آن‌ها به عنوان "چهار ستون آزادی" نام می‌برد، شامل حاکمیت قانون^۱، اندازه دولت^۲، کارایی قوانین و مقررات^۳ و بازارهای باز^۴ است. در ادامه به تحلیل این چهار گروه اصلی آن و تأثیر آن‌ها بر کارآفرینی خواهیم پرداخت.

شاخص حاکمیت قانون شامل سه زیر شاخص حقوق مالکیت، یکپارچگی دولت، اثربخشی قضایی است. شاخص حقوق مالکیت، نشان می‌دهد که تا چه میزان قوانین دولتی، حق مالکیت انفرادی را تضمین می‌کنند. حقوق مالکیت سبب می‌شود کارآفرینان با اطمینان بیشتری سرمایه‌گذاری کنند (Venkataraman, 2019; Besley & Ghatak, 2010). مقررات بیش‌ازحد و زائد دولت فرصت‌هایی را برای رشوه و رانت جویی فراهم می‌کند، که به نوبه خود برای رشد و توسعه اقتصادی مضر است. یکپارچگی دولت، با افزایش امنیت و رفع عدم اطمینان در روابط اقتصادی باعث ایجاد امنیت و آزادی کسب‌وکار بیشتر برای کارآفرینان می‌شود. در حقیقت، فساد و رانت در بخش عمومی و دولتی، انگیزه افراد را برای ورود به فعالیت‌های رانت‌جویانه به جای کارآفرینی تشدید می‌کند. از طرفی، به عنوان یک مؤلفه اساسی در حاکمیت قانون، اثربخشی قضایی نیازمند سیستم‌های قضایی کارآمد و منصفانه است تا اطمینان حاصل شود که قوانین کاملاً رعایت می‌شوند و اقدامات قانونی مقتضی علیه تخلفات و فساد اداری انجام می‌شود. اثربخشی قضایی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، ممکن است یکی از حوزه‌های اساسی آزادی اقتصادی باشد که در ایجاد بنیان‌های رشد اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در اقتصادهای توسعه‌یافته، انحراف از کارآیی قضایی می‌تواند اولین نشانه‌های مشکلات جدی باشد که منجر به ناکارایی اقتصادی می‌شود.

¹ Rule of Law (RL)

² Government Size (GS)

³ Regulatory Efficiency (RF)

⁴ Open Market (OM)

شاخص کارایی قوانین و مقررات شامل سه زیر شاخص آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، آزادی پولی است. شاخص آزادی کسب و کار توانایی فرد را برای شروع، فعالیت و تعطیلی مشاغل اندازه گیری می کند. آزادی در محیط کسب و کار فعالیت های کارآفرینی را ارتقا می بخشد زیرا فشار ناشی از انجام یک فعالیت تجاری را کاهش می دهد (Heckelman, 2000). مطالعات حاکی از آن است که شرایط محیطی سخت (رویه های دست و پاگیر کسب و کارها)، تأثیرات مخربی بر موفقیت مشاغل دارد و عامل مهمی در دلسردی کارآفرینان به حساب می آید (Levie & Autio, 2011; Grilo & Thurik, 2005). طبق گفته کلایپر و همکاران (۲۰۰۶) سختگیرانه بودن فضای کسب و کار و سطح بالای بوروکراسی در شروع کسب و کارهای نوپا موجب می شود تا تولید و سرمایه گذاری خصوصی با سرعت کمی رشد کند و مانع ایجاد فعالیت های کارآفرینانه می شود. شاخص آزادی نیروی کار ناظر به قوانین و مقررات بازار کار است. سختگیری در بازار کار توانایی کارآفرینان را برای مذاکره در مورد شرایط کار با کارمندان احتمالی محدود می کند (McMullen et al., 2008; Asongu, 2014). عدم انعطاف پذیری بازار، تحرک نیروی کار را کاهش می دهد و فعالیت های کارآفرینی را محدود می کند (McMullen et al., 2008; Levie & Autio, 2011). رومان و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که انعطاف پذیری در بازار کار ابزاری برای جلوگیری از هزینه های بالای استخدام به منظور ارتقا کسب و کارهای کوچک و متوسط است. زیرشاخص آزادی پولی معیاری از ثبات قیمت و کنترل های قیمتی توسط دولت است. در واقع، بی ثباتی قیمت ها و از طرف دیگر کنترل دولت بر قیمت ها، هر دو در تخصیص منابع اختلال ایجاد می کنند و بدین وسیله می توانند مانع توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه و بعضاً شکست یا عدم موفقیت این گونه فعالیت ها شوند.

شاخص اندازه دولت در برگیرنده سه زیر شاخص سلامت مالی، بار مالیاتی، هزینه های دولت است. زیرشاخص بار مالیاتی میزان بار مالیاتی تحمیل شده بر افراد و واحدهای کسب و کار توسط دولت مرکزی را اندازه گیری می کند که پایین بودن هرچه بیشتر نرخ های مالیاتی و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به معنای وجود آزادی مالیاتی و در نتیجه آزادی اقتصادی بیشتر است. به گفته دین و مک مولن (۲۰۰۷) مالیات بیش از حد یکی از موانع اصلی فعالیت های کارآفرینی محسوب می شود که خود یکی از عوامل عدم توسعه کسب و کارها و شکست کسب و کارهای کارآفرینانه می شود (Bowen & De Clercq, 2008). بودجه دولت یکی دیگر از واضح ترین شاخص های میزان رعایت اصل اندازه دولت است. با مشخص کردن اولویت ها و تخصیص منابع، بودجه به طور واضح هم زمینه هایی را برای مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی و هم میزان آن مداخله را نشان می دهد. فراتر از این، بودجه منعکس کننده

تعهد دولت (یا فقدان آن) برای مدیریت صحیح منابع مالی است که هم برای توسعه اقتصادی بلندمدت پویا ضروری است و هم برای پیشرفت آزادی اقتصادی حیاتی است. از طرفی، کوچک‌تر بودن هزینه‌های دولت نسبت به GDP، به معنای آزادی بیشتر است. به عبارتی، هر چه سهم دولت از درآمد یا ثروت بیشتر باشد، پاداش افراد برای فعالیت اقتصادی خود کمتر و انگیزه برای انجام کار کمتر است و در نتیجه سطح فعالیت کلی بخش خصوصی را نیز کاهش می‌دهد (Bjørnskov & Foss, 2008).

شاخص بازارهای باز شامل سه زیر شاخص آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی است. آزادی سرمایه‌گذاری میزان آزادی افراد در تصمیم برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار خود را اندازه‌گیری می‌کند. ارتقای آزادی سرمایه‌گذاری یکی از سیاست‌های مؤثر در تأثیر فعالیت‌های کارآفرینی بر توسعه اقتصادی به حساب می‌آید (Gwartney et al., 2008). آزادی سرمایه‌گذاری باعث می‌شود که سرمایه و ظرفیت بیکار برای فعالیت کارآفرینی آزاد شود و هزینه‌های معاملاتی، قوانین و مقررات، و موانع ورود و خروج برای کارآفرینان کاهش یابد (Bennett & Nikolaev, 2019). آزادی مالی معیاری از امنیت و آزادی از کنترل‌های دولتی در امور بانکی و بانکداری است. در شرایطی که بخش بانکی و مالی اقتصاد حداقل دخالت دولت را داشته باشد، جریان روان وجوه نقد وجود دارد و تخصیص اعتبارات بر اساس شرایط بازار انجام می‌شود و لذا بودجه به‌موقع به افراد و شرکت‌ها اختصاص داده می‌شود. آزادی مالی جریان نقدینگی آزاد را ترویج می‌کند زیرا بانک‌ها در تمدید اعتبار، پذیرش سپرده‌ها و تجارت با ارزهای خارجی آزاد هستند. جذب سرمایه برای تأمین مالی یک کسب‌وکار دغدغه اصلی بیشتر کارآفرینان است و بیشتر کارآفرینان به دلیل کمبود میزان سرمایه شخصی مجبورند برای تأمین سرمایه به بانک‌ها و سایر نهادهای مالی روی بیاورند (Blanchflower & Oswald, 1998). از این رو، مسئله تأمین مالی یکی از عوامل محدودکننده برای بنگاه‌ها و کسب‌وکارهای نوپا است (Schwab & Sala-i-Martin, 2016). آزادی تجارت ترکیبی از عدم وجود موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات و صادرات کالاها و خدمات است. آزادی تجارت، به معنای گسترده آن یعنی سهولت تجارت با کشورهای دیگر، خرید، فروش، عقد قرارداد و ... که یکی از الزامات برای آزادی اقتصادی و همچنین یکی از عوامل اساسی در سهولت کسب‌وکارها و شکل‌گیری‌های کسب‌وکارهای نوپا در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود.

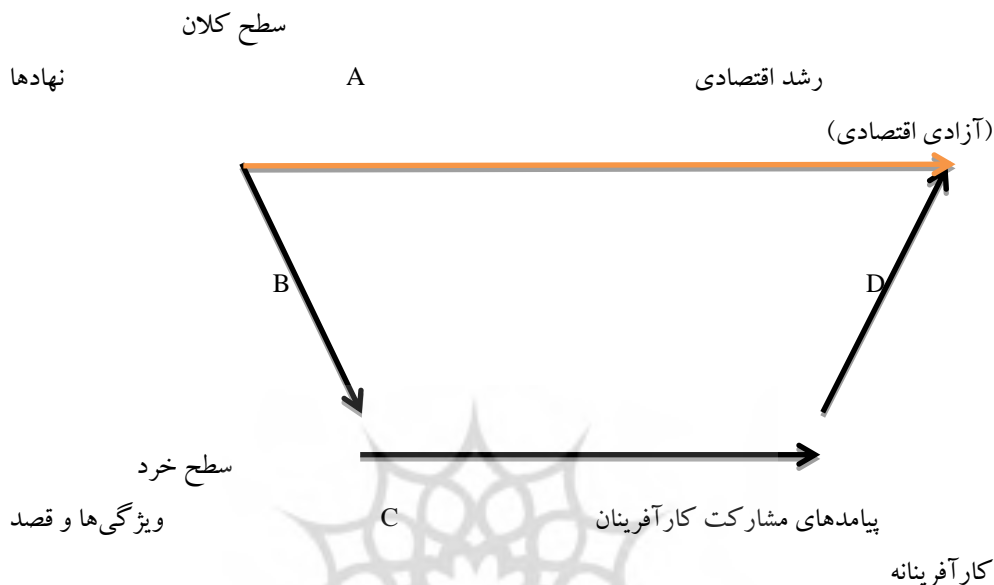
با توجه به موارد فوق، می‌توان بیان کرد که محیط نهادی که کارآفرینان در آن فعالیت دارند، یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده هزینه‌ها و منافع در تصمیم برای فعالیت کارآفرینی است. در واقع، مؤلفه‌های اصلی آزادی اقتصادی شامل حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز همه بر

تصمیم و فرصت‌های فعالیت کارآفرینانه، محیط نهادی، که در آن با هم تعامل می‌کنند، و چگونگی استفاده از منابع، از جمله استعدادهای کارآفرینی، تأثیرگذار می‌باشند.

۲-۳- نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی

اهمیت نقش نهادها در رابطه بین کارآفرینی و رشد اقتصادی، در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (Acs et al, 2008, 2017, 2018; Bjørnskov & Foss, 2016). یافته‌های مطالعات مذکور گویای آن است که کیفیت نهادها عاملی برای تشویق کارآفرینی مولد و مانعی برای کارآفرینی غیرمولد محسوب می‌شوند؛ که این مهم به نوبه خود، رشد اقتصادی بالاتری را موجب می‌شود. نهادهای حامی بازار (مانند آزادی اقتصادی و رقابت‌پذیری) منجر به افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شوند و افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه منجر به رشد اقتصادی بیشتر می‌شود (Urbano & Alvarez, 2014). نهادهای حامی بازار می‌توانند با ترغیب حمایت از حقوق مالکیت، که برای انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری کارآفرینانه مهم است، نقش مهمی را ایفا نمایند. همچنین این نهادها می‌توانند اثرات معکوس مقررات زائد بر ورود کارآفرینان را کاهش دهند (Klapper et al, 2006; Van Stel et al., 2007). در همین راستا، مطالعات اخیر درباره کارآفرینی بر شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر میزان این تفاوت‌ها در مطالعات بین‌کشوری پرداخته‌اند (Wennekers et al., 2005; Acs et al., 2012; Simón-Moya et al., 2014; Chowdhury et al., 2015; Aparicio et al., 2016). نتایج تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که برخی از این اختلافات به دلیل تنوع در انواع کارآفرینی، ویژگی‌های محیط اقتصادی کلان و یا شرایط متفاوت نهادی است که کارآفرینان در آن فعالیت می‌کنند. هال و سوبل (۲۰۰۸) تأکید می‌کنند که شناخت اهمیت کیفیت نهادی اولین گام مهم در روند ارتقاء کارآفرینی در جهت رشد و پیشرفت اقتصادی است (Hall & Sobel, 2008). به‌طور کلی نتایج مطالعات مذکور گویای آن است که فعالیت‌های کارآفرینی بسته به میزان کیفیت نهادی در جامعه می‌تواند اثرات متفاوت بر اقتصاد داشته باشد. از یک طرف در یک اقتصاد با درجات بالاتر کیفیت نهادی، میزان کارآفرینی به‌عنوان یکی از عوامل اساسی، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. ولی از طرف دیگر، در اقتصادهایی که با درجه پایین کیفیت نهادی، فعالیت‌های کارآفرینی غیرمولد شکل می‌گیرد که تأثیر ناچیز و یا حتی منفی بر رشد اقتصادی خواهند داشت. لذا از این بینش می‌توان در درک و توضیح اینکه چرا فعالیت‌های کارآفرینی در برخی کشورها سبب تقویت رشد اقتصادی شده ولی در برخی کشورهای دیگر باعث ترغیب رشد اقتصادی نشده است، استفاده کرد.

مطالعات اخیر این رابطه را با استفاده از یک تحلیل چند مرحله‌ای مدل‌سازی کرده‌اند به این صورت که نهادها در مرحله اول بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارند و در مرحله دوم، کارآفرینی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (Bosma et al., 2018; Urbano et al., 2019). یکی از مدل‌های مفهومی برای مدل‌سازی این گونه روابط کلان-خرد-کلان^۱، از طریق مدل قایق کالمن^۲ است که در شکل یک نشان داده شده است (Bradley & Klein, 2016).



شکل ۱: مدل قایق کالمن برای توضیح چگونگی تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی

Figure 1: Coleman boat model explaining the impact of entrepreneurship on economic growth

در مبانی نظریه اجتماعی، کالمن (۱۹۹۰) از مدل قایق استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه ساختارهای سطح کلان بر رفتارها و عملکرد در سطح خرد تأثیر می‌گذارند (Coleman, 1990). محققان کارآفرینی این مدل را برای بررسی نقش محیط نهادی در ترغیب فعالیت‌های کارآفرینانه و متعاقباً تأثیر فعالیت‌های

^۱ Macro-Micro-Macro Model

^۲ Coleman's Boat Model

کارآفرینی بر رشد اقتصادی گسترش داده‌اند (Bjørnskov & Foss, 2016; Bradley & Klein, 2016). در ابتدا نهادها در سطح کلان پدیدار شده و قواعد بازی را تعریف می‌کنند. نهادها می‌توانند به اشکال گوناگون از قبیل نهادهای نظارتی، قانونی یا شناختی- فرهنگی وجود داشته باشند (North, 1990). کیفیت نهادی، باعث ترغیب و ترویج کارآفرینی مولد می‌شود و از کارآفرینی غیرمولد یا مخرب جلوگیری می‌کند (Boudreaux, 2014; Boudreaux & Nikolaev, 2017; McMullen et al, 2008; Nyström, 2008). دیده‌بان جهانی کارآفرینی، این نهادهای طرفدار بازار را به‌عنوان عاملی برای تشویق کارآفرینی و یا مانعی برای فعالیت کارآفرینی توصیف می‌کند. کیفیت نهادی با ترغیب ویژگی‌ها و قصد کارآفرینانه، رفتارهای کارآفرینان را در سطح خرد تعیین می‌کند (مسیر B در شکل ۱). این ویژگی‌ها و قصد کارآفرینانه مانند شناخت فرصت، خودکارآمدی کارآفرینانه، عدم ترس از شکست و سرمایه اجتماعی به‌نوبه خود بر ورود و مشارکت کارآفرینان تأثیر می‌گذارند (مسیر C در شکل ۱). سرانجام و در مجموع، ورود و مشارکت کارآفرینان بر رشد اقتصادی که در سطح کلان گزارش شده است و به‌عنوان مسیر D در شکل ۱ گزارش شده است؛ بنابراین به‌جای اینکه کارآفرینی صرفاً در سطح کلان (مسیر A در شکل ۱) بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد؛ مدل قایق کالمن این بینش را فراهم می‌کند که چگونه بنیادهای خرد به توضیح نقش نهادها (از طریق کانال کارآفرینی) بر رشد اقتصادی کمک می‌کند.

با توجه به مروری بر ادبیات تجربی و نظری پژوهش، نوآوری مطالعه حاضر نسبت به مطالعات گذشته از چندین جنبه قابل بررسی است. در وهله اول، مطالعه حاضر موجب به‌روزرسانی ادبیات مربوط به کارآفرینی، رشد و توسعه اقتصادی در مطالعات قبلی مانند (Sautet, 2013; Urbano et al., 2019) می‌شود. به‌طور ویژه، نتایج مطالعات قبلی نشان داده است که فعالیت‌های کارآفرینی باعث تقویت رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد بالا می‌شود اما در کشورهای کم درآمد تأثیر ناچیزی دارد. همچنین در اغلب این مطالعات، به مبحث کیفیت نهادی و به‌ویژه آزادی اقتصادی توجه چندانی نشده است. علاوه بر این، نتایج مطالعات انجام شده در این بخش از مقاله، خصوصاً در مورد تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهایی که از سطوح مختلف توسعه اقتصادی برخوردارند، متفاوت است. در وهله دوم، از آنجایی که در مطالعات قبلی اغلب از داده‌های مقطعی و یا نمونه‌های کوچک بین کشوری استفاده شده است، لذا این مطالعات نتوانسته‌اند تفاوت‌های مهم بین کشورها را به‌وضوح نشان دهند. از سوی دیگر، مطالعات محدودی در زمینه مطالعه تطبیقی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در موضوع مورد بحث وجود دارد. در وهله سوم، به‌منظور رفع مشکل درون‌زایی متغیرهای نهادی در مطالعه اثرگذاری نهادها بر

رشد اقتصادی، استفاده از روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM)، دیگر نوآوری مطالعه حاضر نسبت به مطالعات پیشین است.

۱- مدل و روش اقتصادسنجی

یکی از چالش‌های اساسی در آزمون تجربی اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی، مسئله درون‌زا بودن متغیرهای نهادی است؛ زیرا همان‌گونه که احتمال دارد نهادها بر رشد و توسعه مؤثر باشند، ممکن است علیت معکوس باشد و رشد و توسعه اقتصادی موجب ایجاد نهادهای کارآمد در یک کشور شود. این حقیقت که افزایش درآمد ممکن است کیفیت نهادها را بهبود دهد کیفیت نهادی را درون‌زا کرده و مشکل خطای در اندازه‌گیری را ایجاد کرده و علیت را معکوس نموده و همبستگی کاذب ایجاد می‌نماید (Nadiri & Mohammadi, 2011). از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای حل یا کاهش مشکل درون‌زا بودن شاخص‌های نهادی و همبستگی بین متغیرهای نهادی و دیگر متغیرهای توضیحی، تخمین مدل با استفاده از رویکرد GMM داده‌های تابلویی پویا است. در الگوهای اقتصادسنجی، رابطه پویا از طریق وارد شدن وقفه یا وقفه‌هایی از متغیر وابسته به‌عنوان متغیر توضیحی در الگو مشخص می‌شود. اگر متغیر وابسته با مقادیر با وقفه وارد الگو شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی و جملات اخلاص همبستگی به وجود آید و در نتیجه استفاده از روش حداقل مربعات معمولی نتایج تورش دار و ناسازگاری را نشان خواهد داد. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته می‌تواند با به‌کارگیری متغیرهای ابزاری این نقص را برطرف نماید. روش GMM پانل دیتای پویا هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) بیشتر از تعداد زمان و سال‌ها (T) باشد ($N > T$) که در مقاله حاضر نیز این شرایط برقرار است به این مفهوم که تعداد کشورها بیشتر از تعداد زمان است (Baltagi, 2008). به‌طور کلی روش GMM پویا نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی مانند حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی، کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان و افزایش بعد زمانی متغیرها است. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش برای برآورد مدل دو آزمون مطرح است یکی از این آزمون‌ها، آزمون سارجنت است که برای اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش‌ازحد، یعنی صحت و اعتبار متغیرهای ابزاری به کار می‌رود. آزمون دوم، آزمون همبستگی پسماندها مرتبه اول $AR(1)$ و مرتبه دوم

^۱ General Method of Moments (GMM)

AR(2) است. این آزمون نیز برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری به کار می‌رود. آرانو و بوند (۱۹۹۱) قائلند که در تخمین GMM، باید جملات اخلاص دارای همبستگی سریالی مرتبه اول (1) AR بوده و دارای همبستگی سریالی مرتبه دوم AR(2) نباشند (Baltagi, 2008).

هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر متقابل فعالیت‌های کارآفرینی و شاخص‌های آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته برای دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۰ است. جامعه آماری از ۳۳ کشور توسعه‌یافته^۱ و ۳۳ کشور در حال توسعه^۲ تشکیل شده است. انتخاب کشورها بر اساس در دسترس بودن داده‌ها انتخاب شده است. متغیر وابسته نرخ رشد اقتصادی و متغیرهای مستقل شامل شاخص‌های آزادی اقتصادی هریتیج، حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز است. علاوه بر این، با بهره‌گیری از مطالعات انجام گرفته در زمینه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و ادبیات موجود، متغیرهای کنترل در مدل شامل موارد ذیل می‌باشد: کارآفرینی، نرخ تورم، درجه باز بودن تجاری، نرخ تشکیل سرمایه ناخالص داخلی و میزان توسعه مالی. در جدول ۱ تعاریف متغیرهای مورد استفاده آورده شده است.

جدول (۱): تعاریف متغیرهای مورد استفاده در مدل

Table 1: Definitions of variables used in the model

متغیر	تعریف	پایگاه آماری
نرخ رشد اقتصادی (GDP)	درصد نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)
نرخ کارآفرینی نوپا (TEA)	کارآفرین نوپا فرد کارآفرینی است که در طی ۴۲ ماه گذشته (۳ سال و نیم) فعالیت قابل ملاحظه‌ای برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید انجام داده و شخصاً "صاحب تمام یا بخشی از آن بوده و در حال حاضر به‌طور فعال درگیر مدیریت این کسب‌وکار جدید است و برای هیچ کارمندی حقوقی بیش از ۳ ماه پرداخت نکرده است.	دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)

^۱ استرالیا، اتریش، بلژیک، بلغارستان، کانادا، کرواسی، قبرس، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لیتوانی، لوکزامبورگ، هلند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلستان، ایالات متحده آمریکا

^۲ الجزایر، آنگولا، برزیل، کامرون، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، مصر، غنا، گواتمالا، هند، اندونزی، ایران، اردن، مالزی، مکزیک، مراکش، نیجریه، پاکستان، پاناما، پرو، فیلیپین، قطر، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، سوئیس، تایلند، ترکیه، امارات متحده عربی، اروگوئه.

شاخص آزادی اقتصادی (EFI)	شاخص آزادی اقتصادی شامل ۱۲ عامل کمی و کیفی است. امتیاز آن از میانگین ساده امتیازات ۱۲ شاخص فرعی تعیین می‌شود و دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است.	بنیاد هریتیج (HF)
کارایی قوانین و مقررات (RF)	امتیاز این شاخص از میانگین ساده امتیازات سه زیر شاخص فرعی آزادی کسب‌وکار، آزادی نیروی کار و آزادی پولی تعیین می‌شود و دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است.	بنیاد هریتیج (HF)
حاکمیت قانون (RL)	امتیاز این شاخص از میانگین ساده امتیازات سه زیر شاخص فرعی حقوق مالکیت، یکپارچگی دولت و اثربخشی قضایی تعیین می‌شود و دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است.	بنیاد هریتیج (HF)
اندازه دولت (GS)	امتیاز این شاخص از میانگین ساده امتیازات سه زیر شاخص فرعی سلامت مالی، بار مالیاتی و هزینه‌های دولت تعیین می‌شود و دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است.	بنیاد هریتیج (HF)
بازارهای باز (OM)	امتیاز این شاخص از میانگین ساده امتیازات سه زیر شاخص فرعی آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی تعیین می‌شود و دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است.	بنیاد هریتیج (HF)
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (CAP)	خالص جریان سرمایه‌گذاری در یک سال مالی (درصدی از GDP)	شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)
نرخ تورم (INF)	درصد تغییر سالانه در شاخص قیمت مصرف کننده CPI	شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)
درجه باز بودن تجاری (TR)	مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات (درصدی از GDP)	شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)
توسعه مالی (FD)	منابع مالی ارائه شده به بخش خصوصی توسط مؤسسات مالی (درصدی از GDP) که به‌عنوان شاخصی برای توسعه مالی استفاده شده است.	شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)

شایان ذکر است، به‌منظور به‌دست آوردن نتایج دقیق از تجزیه و تحلیل تجربی، بررسی مسئله همخطی چندگانه نیز در نظر گرفته شده است. نتایج ضرایب همبستگی متغیرها به‌ویژه در میان شاخص‌های آزادی اقتصادی بیانگر همبستگی بالا در بین متغیرها بوده است؛ به همین دلیل انتظار می‌رود که مسئله همخطی چندگانه باعث بروز نتایج کاذب در تخمین مدل شود. مشابه سایر مطالعات (Bryman & Cramer, 2012) از مقدار ضریب همبستگی ۰/۸۰ به‌عنوان مرجع استفاده شده است. ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که جهت همبستگی منفی است یا مثبت، شدت همبستگی ضعیف یا خیلی زیاد است، و همبستگی معنی‌دار

است یا نه؛ به گونه‌ای که می‌توان وجود یا عدم وجود مشکل همخطی چندگانه را تشخیص داد. به همین دلیل برای رفع این مشکل، معادله رشد اقتصادی برای بررسی و ارزیابی تجربی بین کارآفرینی، آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی، برگرفته از مطالعات ون استل^۱ و همکاران (۲۰۰۵)؛ سات^۲ (۲۰۱۳) و اوربانو^۳ و همکاران (۲۰۱۹) و رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به صورت روابط (۱) تا (۵) تصریح شده است.

$$\begin{aligned} \ln GDPP_{it} = & \alpha_0 \ln GDPP_{it-1} + \alpha_1 \ln TEA_{it} + \alpha_2 \ln (TEA_{it} * EFI_{it}) + \\ & \alpha_3 \ln INF_{it} + \alpha_4 \ln TR_{it} + \alpha_5 \ln GC_{it} + \alpha_6 \ln CAP_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \end{aligned} \quad (1)$$

$$\begin{aligned} \ln GDPP_{it} = & \alpha_0 \ln GDPP_{it-1} + \alpha_1 \ln TEA_{it} + \alpha_2 \ln (TEA_{it} * RL_{it}) + \\ & \alpha_3 \ln INF_{it} + \alpha_4 \ln TR_{it} + \alpha_5 \ln GC_{it} + \alpha_6 \ln CAP_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \end{aligned} \quad (2)$$

$$\begin{aligned} \ln GDPP_{it} = & \alpha_0 \ln GDPP_{it-1} + \alpha_1 \ln TEA_{it} + \alpha_2 \ln (TEA_{it} * GS_{it}) + \\ & \alpha_3 \ln INF_{it} + \alpha_4 \ln TR_{it} + \alpha_5 \ln GC_{it} + \alpha_6 \ln CAP_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \end{aligned} \quad (3)$$

$$\begin{aligned} \ln GDPP_{it} = & \alpha_0 \ln GDPP_{it-1} + \alpha_1 \ln TEA_{it} + \alpha_2 \ln (TEA_{it} * RF_{it}) + \\ & \alpha_3 \ln INF_{it} + \alpha_4 \ln TR_{it} + \alpha_5 \ln GC_{it} + \alpha_6 \ln CAP_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \end{aligned} \quad (4)$$

$$\begin{aligned} \ln GDPP_{it} = & \alpha_0 \ln GDPP_{it-1} + \alpha_1 \ln TEA_{it} + \alpha_2 \ln (TEA_{it} * OM_{it}) + \\ & \alpha_3 \ln INF_{it} + \alpha_4 \ln TR_{it} + \alpha_5 \ln GC_{it} + \alpha_6 \ln CAP_{it} + \varepsilon_{it} + \mu_i \end{aligned} \quad (5)$$

که در این مدل، $GDPP_{it}$ تولید ناخالص سرانه به‌عنوان متغیر وابسته، TEA_{it} شاخص کارآفرینی نوپا؛ EFI_{it} شاخص آزادی اقتصادی کل؛ $(TEA_{it} * EFI_{it})$ متغیر ضربی کارآفرینی و آزادی اقتصادی؛ $(TEA_{it} * RL_{it})$ متغیر ضربی کارآفرینی و حاکمیت قانون؛ $(TEA_{it} * GS_{it})$ متغیر ضربی کارآفرینی و اندازه دولت؛ $(TEA_{it} * RF_{it})$ متغیر ضربی کارآفرینی و کارایی قوانین و مقررات؛ $(TEA_{it} * OM_{it})$ متغیر ضربی کارآفرینی و بازارهای باز؛ INF_{it} شاخص تورم، TR_{it} درجه باز بودن تجاری، FD_{it} توسعه مالی، و CAP_{it} تشکیل سرمایه ناخالص داخلی است. $\alpha_0, \dots, \alpha_6$ نیز ضرایب معادله

¹ Van Stel

² Sautet

³ Urbano

رگرسیون هستند. جزء اخلاص و شامل تمامی اثرات غیر قابل مشاهده اقتصادی است و μ_i بیانگر اثرات ثابت برای هر کشور است. داده‌های مربوط به فعالیت‌های کارآفرینی از وب‌سایت دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ (GEM)، و با تمرکز بر متغیر کارآفرینی نوپا^۲ (TEA) استخراج شده است. امروزه مجموعه داده (ای) GEM در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک منبع ارزشمند اطلاعات برای کارآفرینی شناخته‌شده و به‌طور گسترده در ادبیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. درجه آزادی اقتصادی، به‌عنوان معیار کلی آزادی اقتصادی شاخص جهانی (EFI) سالانه توسط بنیاد هریتیج^۳ گزارش می‌شود؛ که یکی از مراجع مورد استفاده در حوزه‌های پژوهشی و مطالعات دانشگاهی در سال‌های اخیر بوده است. متغیرهای کنترل از نماگرهای توسعه جهانی موجود در پایگاه داده بانک جهانی استخراج شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

جدول ۲ آمار توصیفی برای مجموعه داده‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد. میانگین رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در حدود ۳/۹۵ و برای کشورهای توسعه‌یافته در حدود ۳/۰۲ بوده است. میانگین شاخص کارآفرینی نوپا در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب برابر با ۱۵/۵۵ و ۷/۳۶ بوده است. سطح بالاتر فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا در کشورهای در حال توسعه به دلیل بازار کار ناکارآمد و نبود فرصت‌های اقتصادی جایگزین است، زیرا بنا به تعریف متغیر کارآفرینی نوپا شامل دو گروه کارآفرینان ضرورت‌گرا^۴ و فرصت‌گرا^۵ است، که میزان بالاتر کارآفرینی ضرورت‌گرا در کشورهای در حال توسعه باعث بالاتر بودن آمار فعالیت کارآفرینی نوپا نسبت به کشورهای توسعه‌یافته شده است. همچنین میزان انحراف معیار کارآفرینی بالاتر در کشورهای در حال توسعه بیانگر تغییرات مقطعی زیاد نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بوده است. در میان شاخص‌های آزادی اقتصادی، بالاترین انحراف معیار در هر دو گروه کشورهای مورد بررسی مربوط به حاکمیت قانون بوده است. بیشترین و کمترین میانگین در

^۱ Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

^۲ Total Entrepreneurial Activity (TEA) Rates

^۳ Heritage

^۴ کارآفرین ضرورت‌گرا فردی است که در مطالعه جمعیت بزرگسال دیده‌بان جهانی کارآفرینی کسب‌وکاری را به دلیل فقدان گزینه شغلی بهتر و نه به خاطر بهره‌برداری از فرصتی مشخص راه‌اندازی کرده است.

^۵ کارآفرینانی که بر اساس فرصت‌های ارتقا محور کارآفرینی می‌کنند، کارآفرینان فرصت‌گرای هستند که برای کسب پول بیشتر یا استقلال بیشتر در مقابل حفظ درآمد تلاش کرده‌اند.

شاخص‌های آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به ترتیب مربوط به اندازه دولت و حاکمیت قانون و در کشورهای توسعه به ترتیب کارایی قوانین و مقررات و اندازه دولت بوده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در کشورهای منتخب

Table 2: Descriptive statistics of variables in selected countries

کشورهای توسعه یافته				کشورهای در حال توسعه				نام متغیر
حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	
۱۱/۸۸	-۷/۱۳۲	۳/۰۲۹	۱/۹۴۸	۱۴/۲۳	-۹/۷۹	۳/۱۷۷	۳/۹۵۱	رشد اقتصادی
۱۹/۳۸	۱/۴۸	۳/۱۸۴	۷/۳۶۲	۵۲/۱۱	۲/۴۷	۸/۷۶۷	۱۵/۵۵۹	کارآفرینی
۹۰	۵۱/۱	۶/۹۹۲	۷۰/۱۲۵	۸۲/۶	۳۷/۶	۱۰/۱۰۴	۶۲/۸۴۵	شاخص آزادی اقتصادی
۹۵/۴۷	۵۹/۳۳	۷/۳۷۵	۷۶/۲۰۱	۹۶/۵۳	۴۱/۹۷	۹/۴۷۰	۶۸/۳۹۴	کارایی قوانین و مقررات
۷۸/۵	۱۵/۸	۱۴/۰۳۷	۵۰/۴۹۵	۹۳/۲۵	۳۰/۱۵	۹/۳۸۰	۷۶/۸۱۰	اندازه دولت
۹۵	۳۰	۱۷/۴۴۴	۷۲/۶۹۱	۹۲	۱۲	۱۹/۹۴۴	۴۵/۵۶۷	حاکمیت قانون
۸۹/۲۷	۵۳/۵۳	۸/۲۹۴	۷۶/۱۸۲	۹۱/۶۷	۱۷/۱۳	۱۴/۵۳۳	۶۰/۰۶۵	بازارهای باز
۴۱/۵۴	۱۰/۲۲	۴/۰۹۷	۲۲/۵۶۶	۴۸/۸۷	۱۲/۰۶	۷/۶۷۳	۲۵/۲۹۱	تشکیل سرمایه ناخالص
۴۰۸/۳۶۲	۱۹/۷۹۸	۶۰/۰۳	۹۵/۰۹۳	۴۲۵/۳۶۳	۲۱/۸۵۲	۶۶/۰۳۲	۷۸/۵۱۹	باز بودن تجاری
۹/۶۳۹	-۱/۷۳۶	۲/۰۷۶	۲/۰۳۷	۳۹/۲۶۶	-۳/۷۴۹	۷/۲۵۳	۵/۶۳۱	تورم
۳۱۲/۰۱۹	۲۰/۴۸۱	۴۴/۵۰۷	۹۶/۸۷۰	۲۲۲/۷۰۱	۹/۱۴۸	۳۵/۴۶۰	۵۳/۹۵۴	توسعه مالی

منبع: محاسبات تحقیق

Source: Research calculations

۲-۴- برآورد مدل

بعد از ارائه مدل و توضیح متغیرها، جهت برآورد مدل‌های رگرسیونی ابتدا باید آزمون F لیمر برای تشخیص مدل اثرات ثابت از مدل داده‌های ترکیبی انجام پذیرد. در آزمون F لیمر، فرضیه صفر یکسان عرض از مبدأها (روش ترکیبی) در برابر فرضیه مخالف ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های پانلی) قرار می‌گیرد؛ بنابراین در صورت رد فرضیه صفر، روش داده‌های پانلی پذیرفته می‌شود (Baltagi, 2008).

جدول (۳) نتایج حاصل از آزمون لیمر را نشان می‌دهد که براساس آن برآورد مدل به صورت اثرات تجمیعی مناسب نبوده و باید از روش پانل استفاده گردد.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

Table 3: F Limer test results

کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	نوع آزمون
۳۸۴/۵۷ (۰/۰۰۰)	۳۵۶/۴۱ (۰/۰۰۰)	آماره آزمون (P-value)

منبع: محاسبات تحقیق * اعداد داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال است.

Source: Research calculations * the numbers in brackets indicate the probability value

به دلیل وجود واریانس ناهمسانی با توجه به نتایج آزمون والد مدل GMM سیستمی نسبت به مدل GMM تفاضلی جهت برآورد مدل رگرسیونی ترجیح داده شده است که نتایج حاصل از این برآورد در جدول (۴) قابل مشاهده است. در این آزمون فرض صفر به معنای وجود واریانس ناهمسانی است که با توجه به نتیجه آزمون، فرض صفر را نمی‌توان رد کرد.

جدول (۴): نتایج آزمون والد برای گروه کشورهای مورد بررسی

Table 4: Wald test results for the group of countries examined

کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	نوع آزمون
۳۴۵۶/۷۱ (۰/۰۰۰)	۴۲۳۱/۱۲ (۰/۰۰۰)	آماره آزمون (chi 2) (P-value)

منبع: محاسبات تحقیق * اعداد داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال است.

Source: Research calculations * the numbers in brackets indicate the probability value

قبل از برآورد مدل، لازم است که آزمون‌های وابستگی مقطعی و آزمون‌های ریشه واحد برای بررسی پایایی متغیرها انجام شود. آزمون وابستگی مقطعی از این جهت مهم است که بر اساس آن می‌توان آزمون ریشه واحد را انتخاب کرد. برای بررسی پایایی داده‌های پانل می‌توان از آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)، لوین، لین و چو (LLC)، دیکی فولر تعمیم یافته فیشر (ADFF) و فیلیپس-پرون-فیشر (FPF)، ایم پسران شین (IPS) استفاده کرد که البته آزمون مناسب از بین این آزمون‌ها در گام اول، نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۸). آزمون‌های متعددی جهت تشخیص وابستگی

مقطعی ارائه شده‌اند که در این پژوهش آزمون CD پسران (۲۰۰۳) استفاده شده است. این آزمون برای پانل های متوازن و نامتوازن قابل اجرا بوده و برای ابعاد مقطعی (N) بزرگ و ابعاد زمانی (T) کوچک نتایج قابل اعتمادی را ارائه می‌نماید و نسبت به وقوع یک یا چند شکست ساختاری در ضرایب رگرسیون هر واحد مقطعی مقاوم می‌باشد. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران در جدول (۵) آورده شده است، فرضیه صفر در این آزمون نبود وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد آزمون است که بر اساس نتایج این جدول فرضیه صفر رد می‌شود و وابستگی مقطعی بین متغیرهای مورد بررسی وجود دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون وابستگی مقطعی

Table 5: Cross-dependency test results

نتیجه	احتمال آماره	آماره آزمون	گروه کشورها
عدم وجود وابستگی مقطعی	۰/۱۱۰۱	۱/۵۹۲	کشورهای در حال توسعه
عدم وجود وابستگی مقطعی	۰/۱۰۲۱	۱/۸۸۶	کشورهای توسعه یافته

منبع: محاسبات تحقیق

Source: Research calculations

با توجه به عدم وجود وابستگی مقطعی می‌توان از آزمون‌های معمول ریشه واحد در پانل دیتا، شامل آزمون‌های ADF، LLC و IPS استفاده نمود. بر اساس نتایج حاصله در جدول (۶)، تمام متغیرها بر اساس آزمون ریشه واحد LLC در سطح مانا هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پسماندها در تمام رگرسیون‌ها انباشته از درجه صفر بوده و احتمال ایجاد رگرسیون کاذب در مدل نهایی منتفی است.

جدول (۶): نتایج آزمون ریشه واحد لوین-لین چو (LLC)

Table 6: Levine-Lane Chou unit root test results (LLC)

کشورهای توسعه یافته		کشورهای در حال توسعه		متغیر
آماره t	ارزش احتمال	آماره t	ارزش احتمال	
-۵/۰۳۴۱	۰/۰۰۰	-۶/۰۳۳۱	۰/۰۰۰	L1 (GDP) وقفه رشد اقتصادی
-۷/۰۱۰۳	۰/۰۰۰	-۵/۴۵۲۱	۰/۰۰۰	Ln TEA کارآفرینی
-۶/۱۱۵۷	۰/۰۰۰	-۷/۳۲۱۷	۰/۰۰۰	Ln (TEA * EFI) (کارآفرینی * آزادی اقتصادی)
-۷/۲۸۳۶	۰/۰۰۰	-۶/۱۸۹۱	۰/۰۰۰	Ln (TEA * RF)

				(کارآفرینی * کارایی قوانین و مقررات)
-۵/۴۴۳۸	۰/۰۰۰	-۸/۵۳۸۲	۰/۰۰۰	Ln (TEA * GS) (کارآفرینی * اندازه دولت)
-۷/۰۱۷۹	۰/۰۰۰	-۶/۷۵۱۲	۰/۰۰۰	Ln (TEA * RL) (کارآفرینی * حاکمیت قانون)
-۶/۱۷۸۲	۰/۰۰۰	-۶/۵۳۱۲	۰/۰۰۰	Ln (TEA * OM) (کارآفرینی * بازارهای باز)
-۵/۳۷۱۴	۰/۰۰۰	-۷/۳۴۲۰	۰/۰۰۰	Ln (CAP) تشکیل سرمایه ناخالص
-۷/۶۳۹۸	۰/۰۰۰	-۵/۶۶۵۱	۰/۰۰۰	Ln (TR) باز بودن تجاری
-۶/۱۵۵۳	۰/۰۰۰	-۸/۲۳۶۵	۰/۰۰۰	Ln (INF) تورم
-۸/۱۴۷۶	۰/۰۰۰	-۷/۳۴۹۴	۰/۰۰۰	Ln (FD) توسعه مالی

منبع: محاسبات تحقیق

Source: Research calculations

نتایج مدل‌سازی GMM در جداول (۷) و (۸) گزارش شده است. مطابق با نتایج حاصله، تأثیرگذاری کارآفرینی بر حسب سطح توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. همچنین نتایج آزمون‌های تشخیصی در انتهای جدول بیانگر این است که آزمون سازگان معنادار است، به این مفهوم که ابزارهای مورد استفاده در مدل اعتبار دارد. همچنین آزمون‌های خودهمبستگی آرانو و باند بیانگر وجود خودهمبستگی مرتبه اول (AR(1)) و عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم (AR(2)) است که با مبانی آزمون‌های تشخیصی مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) سازگار است.

جدول (۷): نتایج تخمین رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

Table 7: Results of the estimation of economic growth in developing countries

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	متغیر
۰/۲۵۳** (۰/۰۹۱)	۰/۲۵۷*** (۰/۰۸۵)	۰/۲۴۸*** (۰/۰۶۷)	۰/۲۶۱*** (۰/۰۷۷)	۰/۲۴۹** (۰/۰۸۷)	L1 (GDP) وقفه رشد اقتصادی
-۰/۱۳۳** (۰/۰۵۸)	-۰/۱۰۹** (۰/۰۴۹)	-۰/۱۶۶* (۰/۰۸۸)	-۰/۱۸۸** (۰/۰۸۱)	-۰/۱۶۳** (۰/۰۷۷)	Ln TEA کارآفرینی

				۰/۰۵۷۱*** (۰/۰۱۱۳)	Ln (TEA * EFI) (کارآفرینی * آزادی اقتصادی)
			۰/۰۷۱۲** * (۰/۰۲۱۳)		Ln (TEA * RF) (کارآفرینی * کارایی قوانین و مقررات)
		۰/۰۶۷۵ (۰/۰۴۶۲)			Ln (TEA * GS) (کارآفرینی * اندازه دولت)
	۰/۰۵۲۱** * (۰/۰۱۳۴)				Ln (TEA * RL) (کارآفرینی * حاکمیت قانون)
۰/۰۶۳۱** * (۰/۰۱۶۷)					Ln (TEA * OM) (کارآفرینی * بازارهای باز)
متغیرهای کنترل					
۰/۱۷۸*** (۰/۰۵۸)	۰/۱۷۴*** (۰/۰۵۹)	۰/۱۱۱** (۰/۰۴۷)	۰/۱۲۳** (۰/۰۵۱)	۰/۱۱۲** (۰/۰۴۴)	Ln (CAP) تشکیل سرمایه ناخالص
۰/۰۰۸۶** (۰/۰۰۴۱)	۰/۰۰۷۱** * (۰/۰۰۱۳)	۰/۰۰۴۶** * (۰/۰۰۱۲)	۰/۰۰۵۴** * (۰/۰۰۱۵)	۰/۰۰۶۳*** (۰/۰۰۲۱)	Ln (TR) باز بودن تجاری
-۰/۰۰۰۶۲ ** (۰/۰۰۰۴۱)	-۰/۰۰۰۵۶ ** (۰/۰۰۰۲۳)	-۰/۰۰۰۶۷ *** (۰/۰۰۰۲۲)	-۰/۰۰۰۵۶ ** (۰/۰۰۰۲۳)	-۰/۰۰۰۱۵** (۰/۰۰۰۴۲)	Ln (INF) تورم
۰/۰۰۸۲** (۰/۰۰۰۴)	۰/۰۰۷۱** * (۰/۰۰۱۳)	۰/۰۰۵۳** * (۰/۰۰۱۲)	۰/۰۰۵۷** * (۰/۰۰۱۳)	۰/۰۰۶۵*** (۰/۰۰۲۴)	Ln (FD) توسعه مالی
۳/۱۸۷*** (۰/۱۳۳)	۲/۴۵۸*** (۰/۴۵۱)	۲/۶۵۳*** (۰/۳۷۹)	۳/۴۶۱*** (۰/۲۱۴)	۲/۳۴۱*** (۰/۵۷۲)	Constant عرض از مبدأ
آزمون‌های تشخیصی					
-۲/۳۸۲ (۰/۰۱۸۵)	-۲/۳۵۴ (۰/۰۱۹۲)	-۲/۲۶۶ (۰/۰۲۴۶)	-۲/۳۱۲ (۰/۰۲۱۴)	-۲/۳۴۱ (۰/۰۱۹۱)	AR (1) خودهمبستگی مرتبه اول
-۰/۴۷۲ (۰/۶۴۱)	-۰/۶۶۳ (۰/۵۰۶)	-۰/۷۵۷ (۰/۴۵۵)	-۰/۸۶۵ (۰/۳۹۱)	-۰/۶۸۱ (۰/۴۹۶)	AR (2) خودهمبستگی مرتبه

					دوم
۱۴۴/۹۳ (۰/۰۷۰۸)	۱۴۳/۸۱ (۰/۰۷۳۰)	۱۴۴/۰۷ (۰/۰۷۸۲)	۱۴۲/۵۶ (۰/۰۷۵۴)	۱۴۳/۳۲ (۰/۰۷۴۰)	Sargan Test آزمون سارگان

اعداد داخل پرانتز بیانگر انحراف معیار ضرایب است (*، ** و *** به ترتیب بیانگر معناداری ضرایب در سطح احتمال

۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ است)

The numbers in parentheses indicate the standard deviation of the coefficients (*, ** or ***, which indicates the significance of the coefficients with a probability of 10%, 5% and 1%).

جدول (۸): نتایج تخمین رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته

Table 8: Results of the estimation of economic growth in developed countries

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	متغیر
۰/۳۳۲*** (۰/۰۷۹)	۰/۳۲۷*** (۰/۰۷۹)	۰/۳۲۹*** (۰/۰۷۶)	۰/۳۲۳*** (۰/۰۷۵)	۰/۳۳۲*** (۰/۰۷۸)	L1 (GDP) وقفه رشد اقتصادی
۰/۱۴۵*** (۰/۰۴۱)	۰/۱۲۱*** (۰/۰۳۵)	۰/۱۳۱*** (۰/۰۲۶)	۰/۱۴۳** (۰/۰۳۴)	۰/۱۸۷** (۰/۰۳۳)	Ln TEA کارآفرینی
				۰/۰۵۳۱** (۰/۰۲۴۲)	Ln (TEA * EFI) (کارآفرینی * آزادی اقتصادی)
			۰/۰۶۹۲** (۰/۰۲۸۲)		Ln (TEA * RF) (کارآفرینی * کارایی قوانین و مقررات)
		۰/۰۴۷۱** (۰/۰۱۸۳)			Ln (TEA * GS) (کارآفرینی * اندازه دولت)
	۰/۰۳۹۴** (۰/۰۱۴۵)				Ln (TEA * RL) (کارآفرینی * حاکمیت قانون)
۰/۰۳۵۲* (۰/۰۱۸۱)					Ln (TEA * OM) (کارآفرینی * بازارهای باز)
متغیرهای کنترل					
۰/۱۶۸** (۰/۰۵۶)	۰/۱۶۷*** (۰/۰۴۷)	۰/۱۶۱** (۰/۰۷۷)	۰/۱۶۶** (۰/۰۸۱)	۰/۱۶۲*** (۰/۰۶۸)	Ln (CAP) تشکیل سرمایه ناخالص
۰/۰۰۸۳*** (۰/۰۰۳۴)	۰/۰۰۶۸** (۰/۰۰۲۷)	۰/۰۰۷۶** *	۰/۰۰۶۲** (۰/۰۰۲۳)	۰/۰۰۸۳*** (۰/۰۰۲۱)	Ln (TR) باز بودن تجاری

-۰/۰۰۸۱*	-۰/۰۰۷۳**	-۰/۰۰۵۸**	-۰/۰۰۵۵***	-۰/۰۰۶۲**	Ln (INF) تورم
(۰/۰۰۰۴)	(۰/۰۰۳۳)	(۰/۰۰۲۲)	(۰/۰۰۱۴)	(۰/۰۰۲۳)	
۰/۰۵۱***	۰/۰۴۳***	۰/۰۳۷***	۰/۰۴۹***	۰/۰۵۵**	Ln (FD) توسعه مالی
(۰/۰۰۱۴)	(۰/۰۰۱۶)	(۰/۰۰۱۳)	(۰/۰۰۱۱)	(۰/۰۰۲۲)	
۲/۳۹۱***	۱/۶۳۸***	۲/۳۲۴***	۲/۲۳۵***	۱/۱۲۶***	Constant عرض از مبدأ
(۰/۱۶۴)	(۰/۰۵۶۳)	(۰/۰۷۸۲)	(۰/۰۶۱۱)	(۰/۰۵۳۲)	
آزمون‌های تشخیصی					
-۲/۴۸۹	-۲/۴۹۲	-۲/۴۷۸	-۲/۴۹۶	-۲/۴۹۱	AR (1) خودهمبستگی مرتبه اول
(۰/۰۱۳۸)	(۰/۰۱۳۳)	(۰/۰۱۳۴)	(۰/۰۱۳۱)	(۰/۰۱۳۷)	
-۱/۱۷۳	-۱/۱۶۸	-۱/۱۶۲	-۱/۲۳۵	-۰/۹۸۱	AR (2) خودهمبستگی مرتبه دوم
(۰/۰۲۴۳)	(۰/۰۲۴۸)	(۰/۰۰۹۶)	(۰/۰۲۱۹)	(۰/۰۳۲۸)	
۳۲۸/۶۰	۳۲۶/۲۵	۳۲۸/۱۹	۳۳۰/۱۶	۳۲۷/۸۷	Sargan Test آزمون سارگان
(۰/۱۴۰)	(۰/۱۷۲)	(۰/۱۵۳)	(۰/۱۳۶)	(۰/۱۵۶)	

اعداد داخل پرانتز بیانگر انحراف معیار ضرایب است (*، ** و *** به ترتیب بیانگر معناداری ضرایب در سطح احتمال ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ است)

The numbers in parentheses indicate the standard deviation of the coefficients (*, ** or ***, which indicates the significance of the coefficients with a probability of 10%, 5% and 1%).

در جداول (۷) و (۸) نتایج برآورد تأثیر کارآفرینی و اثرات متقاطع شاخص‌های آزادی اقتصادی و کارآفرینی بر تولید ناخالص سرانه، به روش GMM برای کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته گزارش شده است.

ضریب متغیر تقاطعی کارآفرینی و شاخص آزادی اقتصادی برای هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است. این نتایج با یافته‌های مطالعات پیشین مانند هال و سوبل (۲۰۰۸)، بوجرنسکو و فوس (۲۰۰۸) و مک مولن و همکاران (۲۰۰۸) سازگار است (Hall & Sobel, 2008; Bjørnskov & Foss, 2008; McMullen et al., 2008). در واقع، از آنجاییکه، آزادی اقتصادی به منزله کاهش نقش مداخله-جویانه دولت در اقتصاد، حاکمیت قانون، حفظ حقوق مالکیت خصوصی، آزادی کسب و کار و تجارت خارجی و حذف بروکراسی پیچیده اداری است؛ لذا آزادی اقتصادی از طریق تحریک کسب و کارهای نوپا و فعالیت‌های کارآفرینی، منجر به رشد اقتصادی بالاتر می‌شود.

ضریب متغیر تقاطعی کارآفرینی و شاخص کارایی قوانین و مقررات برای هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است؛ که با نتایج هکلمن (۲۰۰۰)، کلاپر و همکاران (۲۰۰۶) و لوی و آوتیو (۲۰۱۱) مطابقت دارد. البته ضریب این شاخص در گروه کشورهای در حال توسعه بزرگ‌تر است؛ زیرا بی-ثباتی قیمت‌ها، هزینه بالای شروع کسب‌وکار، محیط کسب‌وکار نامناسب و مقررات پیچیده بازار کار از جمله مشکلات نیروی کار در کشورهای در حال توسعه است. لذا بهبود در متغیر تقاطعی کارآفرینی و کارایی قوانین و مقررات از طریق کاهش موانعی مانند بروکراسی اداری موجب بهبود فضای کسب‌وکار شده و رشد اقتصادی را با ضریب بالاتری افزایش می‌دهد.

ضریب متغیر تقاطعی کارآفرینی و شاخص اندازه دولت برای کشورهای توسعه‌یافته مثبت و معنادار است، اما در کشورهای در حال توسعه معنادار نشده است که در راستای یافته‌های نتایج کاسپرسکی (۲۰۱۶) است. یک توضیح ممکن این است که تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ممکن است مبهم باشد؛ زیرا انواع مختلف هزینه‌های دولت (مانند هزینه مصرفی در مقابل هزینه‌های عمرانی یا تحقیق و توسعه)، احتمالاً به‌طور متفاوتی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از طرفی، در کشورهای در حال توسعه دولت با افزایش مالیات‌ها و مقررات، هزینه‌های فعالیت کارآفرینی را افزایش می‌دهد، همچنین، مقررات زائد و مالیات‌های سنگین، سبب ایجاد موانع ورود و محدود شدن رقابت می‌شود و از این رو مانع شکل‌گیری کارآفرینی می‌شود. علاوه بر این، کسب‌وکارها ممکن است در پاسخ به مقررات زائد و سخت‌گیرانه، نرخ‌های مالیات بالا، و نظارت و رعایت کمتر قوانین مربوط به ثبت‌نام و مقررات مالیاتی، فعالیت در بخش غیررسمی را به بخش رسمی ترجیح دهند.

ضریب متغیر تقاطعی کارآفرینی و شاخص حاکمیت قانون برای هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است؛ که با نتایج (یونیت، ۲۰۰۸) همخوانی دارد. حاکمیت قانون قوی (یعنی حفاظت از حقوق مالکیت و فساد پایین)، این باور را به کارآفرینان القا می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها سلب مالکیت نخواهد شد. همچنین قوانین دست و پاگیر و فساد اداری، مانع شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی است؛ اما ضریب این شاخص در گروه کشورهای در حال توسعه بزرگ‌تر است؛ زیرا در کشورهای در حال توسعه، توانایی افراد در اجرای قراردادها کم است، استقلال قوه قضاییه پایین است و میزان فساد نسبتاً بالاتر است و در نتیجه تأمین حقوق مالکیت ضعیف‌تر است؛ بنابراین بهبود در متغیر تقاطعی کارآفرینی و حاکمیت قانون از طریق افزایش ضمانت حقوق مالکیت، تأثیر بالاتری در افزایش رشد اقتصادی در این کشورها دارد.

ضریب متغیر تقاطعی کارآفرینی و شاخص بازارهای باز برای هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است که مؤید یافته‌های گوارتنی و همکاران (۲۰۰۹)، بنت و نیکولایو (۲۰۱۹) و شواب و سال آی مارتین (۲۰۱۶) می‌باشد. سیاست‌هایی که مشوق تجارت بین‌المللی می‌شود (مانند رفع تعرفه‌ها و سهمیه‌ها) تجارت آزاد را گسترش داده و شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی را شدت می‌بخشد. ضریب این شاخص در گروه کشورهای درحال توسعه بزرگ‌تر است؛ زیرا وجود موانع بالای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات و صادرات کالاها و خدمات؛ محدودیت‌های بالای سرمایه‌گذاری و مداخله زیاد دولت‌ها در امور بانکی و بانکداری و اعطای اعتبارات در کشورهای درحال توسعه، باعث پایین آمدن سهولت کسب‌وکار و کاهش مشارکت نیروی کار شده است. لذا بهبود در متغیر تقاطعی کارآفرینی و بازارهای باز، از طریق آزادسازی سرمایه و ظرفیت بیکار برای شروع کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرینانه، می‌تواند موجبات رشد اقتصادی بالاتر در کشورهای درحال توسعه را فراهم نماید.

ضریب متغیر کارآفرینی برای کشورهای درحال توسعه منفی و معنادار و برای کشورهای توسعه‌یافته مثبت و معنادار است. این یافته‌ها مطابق با نتایج تئوریک و تجربی مطالعات گذشته است و در راستای یافته‌های ون استل و همکاران (۲۰۰۵)، والیر و پترسون (۲۰۰۹)، دولتری و همکاران، (۲۰۱۸) می‌باشد (Van Stel et al, 2005; Valliere & Peterson, 2009; Dvouletý et al, 2018). یافته‌های آن‌ها گویای آن است که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی، با توجه به سطح توسعه اقتصادی کشورها متفاوت است؛ به این صورت که میزان فعالیت‌های کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای فقیر تأثیر منفی و در مورد کشورهای ثروتمند تأثیر مثبت دارد. محققان معتقدند که این اختلاف بین کشورها ممکن است مربوط به پایین بودن سطح سرمایه انسانی کارآفرینان و یا کیفیت فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای فقیر باشد. همچنین بنا بر یافته‌های بودروکس و نیکولایو (۲۰۱۹)، در کشورهای متوسط و پردرآمد، درصد بالایی از فعالیت‌های کارآفرینی، از نوع کارآفرینی فرصت‌گرا است که دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است؛ درحالی‌که عمده فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای درحال توسعه و از نوع کارآفرینی ضرورت‌گرا است که دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی است (Boudreaux & Nikolaev, 2019).

ضریب متغیر رشد اقتصادی با وقفه در هر دو گروه کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده که با مبانی نظری سازگار است و از وجود یک روند مثبت نرخ رشد اقتصادی در این کشورها حکایت دارد؛ زیرا رشد اقتصادی در هر دوره از دوره قبل تأثیر می‌پذیرد. ضریب متغیر تشکیل سرمایه ناخالص داخلی برای هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است که مطابق با مبانی نظری با افزایش تشکیل سرمایه و

لذا انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری بیشتر، روند رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. تأثیر باز بودن تجاری نیز مطابق با مبانی نظری موجود بوده و دارای تأثیر مثبت و معنادار بر سطح رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای موردبررسی بوده است. به صورت مشابه، تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورها مثبت بوده است. همان‌گونه که انتظار می‌رود تأثیر تورم بر سطح رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای موردبررسی منفی است؛ که البته تأثیر منفی شاخص تورم بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، به علت تورم بالاتر بزرگ‌تر است.

۵- جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

در این مطالعه اثر متقابل کارآفرینی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای منتخب درحال توسعه و توسعه‌یافته موردبررسی قرار گرفت. نتایج به‌طورکلی حاکی از این است اثر متقابل کارآفرینی و شاخص‌های آزادی اقتصادی کل، حاکمیت قانون، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده است. همچنین تأثیر متقابل اندازه دولت و کارآفرینی در کشورها توسعه‌یافته مثبت و معنادار، ولی در کشورهای درحال توسعه معنادار نبوده است. همچنین، بر اساس نتایج مدل، آزادی اقتصادی در کشورهای درحال توسعه تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی داشته است؛ اما این تأثیر در گروه کشورهای توسعه‌یافته ضعیف‌تر بوده است؛ زیرا در کشورهای درحال توسعه که آزادی اقتصادی کمتر و ظرفیت‌های بیکار بیشتری دارند، بهبود شاخص‌های آزادی باعث افزایش انگیزه افراد در جهت فعالیت‌های کارآفرینی و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر خواهد شد. علاوه‌براین، نتایج بیانگر آن است که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته مثبت و در کشورهای درحال توسعه منفی بوده است.

با توجه به این نتایج، پیشنهادها به‌قرار ذیل ارائه می‌گردد:

سیاست‌گذاری دولت‌ها باید در جهت بهبود شاخص آزادی اقتصادی از طریق تدوین قوانین مناسب جهت تسهیل سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رفع محدودیت‌های دسترسی به ارز خارجی، کاهش مناسب تعرفه‌ها و رفع موانع غیرتعرفه‌ای، کاهش مداخله دولت در نظام بانکی و سایر خدمات مالی، افزایش نرخ مالیات بر فعالیت‌های غیر مولد و تعیین نرخ مناسب مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها باشد. این سیاست‌ها باید از یک‌سو سبب توسعه عرضه‌شده و از سوی دیگر باید از مواجه شدن اقتصاد با کمبود تقاضای مؤثر جلوگیری کند. همچنین سیاست‌هایی باید در جهت رفع موانع استخدام نیروی کار جدید و انعطاف در قوانین در بازار کار، کاهش هزینه‌های غیر دستمزدی نیروی کار، سهولت و

حمایت قانونی از دارایی‌های و مالکیت‌ها، و استقلال دستگاه قضایی (که کاهش فساد را در دل خودش دارد)، اتخاذ گردد تا زمینه رشد کسب و کارها و فعالیت‌های کارآفرینی فراهم شده و متعاقباً بهبود و ارتقای رشد اقتصادی را در پی داشته باشد.

با توجه به تأثیر متفاوت فعالیت‌های کارآفرینی در دو گروه کشورهای موردبررسی، در بیان این باور که کارآفرینی همیشه رشد اقتصادی را ترغیب می‌کند، باید جنبه احتیاط مد نظر قرار گیرد. در حقیقت، از آنجایی که عمده فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه از نوع کارآفرینی ضرورت‌گرا است لذا کارآفرینی با رشد اقتصادی در این کشورها رابطه منفی دارد. در نتیجه، سیاست‌گذاران باید با اجرای سیاست‌هایی از قبیل بهبود کیفیت نهادی، و فراهم نمودن شرایط محیط کسب و کار مناسب و افزایش سهولت کسب و کارها، موجبات رونق فعالیت‌های کارآفرینانه مبتنی بر فرصت را فراهم آورند. این جایگزینی از کارآفرینی ضرورت‌گرا به کارآفرینی فرصت‌گرا، موجب افزایش کیفیت فعالیت‌های کارآفرینی و شکل‌گیری این فعالیت‌ها مبتنی بر نوآوری و دانش می‌گردد که به نوبه خود می‌تواند از یک طرف اثر منفی کارآفرینی ضرورت‌گرا بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را کاهش دهد و از طرف دیگر با زمینه‌سازی فعالیت‌های کارآفرینی فرصت‌گرا سبب افزایش بیشتر در رشد اقتصادی کشورهای مذکور شود. البته در همین راستا، مطالعات اخیر حاکی از آن است که هر دو نهاد رسمی (آزادی اقتصادی) و غیررسمی (به‌عنوان مثال، فساد، فرهنگ کارآفرینانه یا ترس از شکست کارآفرینان) برای کارآفرینی مهم هستند و تأثیر یک نوع نهاد بر کارآفرینی ممکن است به وجود دیگری وابسته باشد (Krasniqi & Desai, 2016)؛ به عبارت دیگر، تأثیر نهادهای رسمی بر کارآفرینی و رشد اقتصادی ممکن است به دلیل ضعف در نهادهای غیررسمی کمتر شود که این مهم پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی مد نظر پژوهشگران قرار گیرد.

References

- Acs, Z. J., & Varga, A. (2005). Entrepreneurship, agglomeration, and technological change. *Small business economics*, 24(3), 323-334.
- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., Braunerhjelm, P., & Carlsson, B. (2012). Growth and entrepreneurship. *Small Business Economics*, 39(2), 289-300.
- Acs, Z. J., Braunerhjelm, P., Audretsch, D. B., & Carlsson, B. (2009). The knowledge spillover theory of entrepreneurship. *Small business economics*, 32(1), 15-30.

Acs, Z. J., Desai, S., & Hessels, J. (2008). Entrepreneurship, economic development, and institutions. *Small business economics*, 31(3), 219-234.

Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2017). *Institutions, entrepreneurship, and growth: the role of national entrepreneurial ecosystems*. Available at SSRN 2912453.

Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2018). Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective. *Small Business Economics*, 51(2), 501-514.

Al-Gasaymeh, A., Almahadin, A., Alshurideh, M., Al-Zoubid, N., & Alzoubi, H. (2020). The role of economic freedom in economic growth: evidence from the MENA region. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 13(10), 759-774.

Aparicio, S., Urbano, D., & Audretsch, D. (2016). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. *Technological forecasting and social change*, 102, 45-61.

Asongu, S. A. (2014). Law, finance and investment: does legal origin matter in Africa? *The Review of Black Political Economy*, 41(2), 145-175.

Baltagi, B. (2008). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons.

Baumol, W. J., & Strom, R. J. (2007). Entrepreneurship and economic growth. *Strategic entrepreneurship journal*, 1(3 4), 233-237.

Behvar, S., Naderi, N., Fattahi, S. (2019). Economic Freedom and Innovative Entrepreneurial Activity. *Innovation Management Journal*, 8(2), 1-20. (In Persian)

Bennett, D. L., & Nikolaev, B. (2019). Economic Freedom. *Economic Freedom of the World*, 199.

Besley, T., & Ghatak, M. (2010). Property rights and economic development. In *Handbook of development economics* (Vol. 5, pp. 4525-4595). Elsevier.

Bjørnskov, C., & Foss, N. (2013). How strategic entrepreneurship and the institutional context drive economic growth. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 7(1), 50-69.

Bjørnskov, C., & Foss, N. J. (2008). Economic freedom and entrepreneurial activity: Some cross-country evidence. *Public Choice*, 134(3-4), 307-328.

Bjørnskov, C., & Foss, N. J. (2016). Institutions, entrepreneurship, and economic growth: what do we know and what do we still need to know? *Academy of Management Perspectives*, 30(3), 292-315.

Blanchflower, D. G., & Oswald, A. J. (1998). What makes an entrepreneur? *Journal of Labor Economics*, 16(1), 26-60.

Bosma, N., Sanders, M., & Stam, E. (2018). Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. *Small Business Economics*, 51(2), 483-499.

Boudreaux, C. J. (2014). Jumping off the Great Gatsby curve: how institutions facilitate entrepreneurship and intergenerational mobility. *Journal of Institutional Economics*, 10(2), 231-255.

Boudreaux, C. J., & Nikolaev, B. (2019). Capital is not enough: opportunity entrepreneurship and formal institutions. *Small Business Economics*, 53(3), 709-738.

Boudreaux, C., & Nikolaev, B. (2017). Entrepreneurial traits, institutions, and the motivation to engage in entrepreneurship. In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 2017, No. 1, p. 16427). Briarcliff Manor, NY 10510: Academy of Management.

Bowen, H. P., & De Clercq, D. (2008). Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort. *Journal of International Business Studies*, 39(4), 747-767.

Bradley, S. W., & Klein, P. (2016). Institutions, economic freedom, and entrepreneurship: The contribution of management scholarship. *Academy of Management Perspectives*, 30(3), 211-221.

Braunerhjelm, P., Acs, Z. J., Audretsch, D. B., & Carlsson, B. (2010). The missing link: knowledge diffusion and entrepreneurship in endogenous growth. *Small Business Economics*, 34(2), 105-125.

Braunerhjelm, P., Ding, D., & Thulin, P. (2018). The knowledge spillover theory of intrapreneurship. *Small business economics*, 51(1), 1-30.

Bryman, A., & Cramer, D. (2012). *Quantitative data analysis with IBM SPSS 17, 18 & 19: A guide for social scientists*. Routledge.

Carlsson, F., & Lundström, S. (2002). Economic freedom and growth: Decomposing the effects. *Public choice*, 112(3), 335-344.

Carree, M. A., & Thurik, A. R. (2008). The lag structure of the impact of business ownership on economic performance in OECD countries. *Small Business Economics*, 30(1), 101-110.

Carree, M. A., & Thurik, A. R. (2010). The impact of entrepreneurship on economic growth. In *Handbook of entrepreneurship research* (pp. 557-594). Springer, New York, NY.

Chowdhury, F., Terjesen, S., & Audretsch, D. (2015). Varieties of entrepreneurship: institutional drivers across entrepreneurial activity and country. *European Journal of Law and Economics*, 40(1), 121-148.

Coleman, J. S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.

Dean, T. J., & McMullen, J. S. (2007). Toward a theory of sustainable entrepreneurship: Reducing environmental degradation through entrepreneurial action. *Journal of business venturing*, 22(1), 50-76.

Doran, J., McCarthy, N., & O'Connor, M. (2018). The role of entrepreneurship in stimulating economic growth in developed and developing countries. *Cogent Economics & Finance*, 6(1), 1442093.

Dvouletý, O., Gordievskaya, A., & Procházka, D. A. (2018). Investigating the relationship between entrepreneurship and regional development: Case of developing countries. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(1), 16.

- Grilo, I., & Thurik, R. (2005). Latent and actual entrepreneurship in Europe and the US: some recent developments. *The International Entrepreneurship and Management Journal*, 1(4), 441-459.
- Gwartney, J., & Lawson, R. (2009). *Economic Freedom Dataset, published in Economic Freedom of the World: 2009 Annual Report*.
- Gwartney, J., Lawson, R., & Norton, S. (2008). *Economic freedom of the world: 2008 annual report*. The Fraser Institute.
- Hall, J. C., & Sobel, R. S. (2008). Institutions, entrepreneurship, and regional differences in economic growth. *Southern Journal of Entrepreneurship*, 1(1).
- Heckelman, J. C. (2000). Economic freedom and economic growth: A short-run causal investigation. *Journal of Applied Economics*, 3(1), 71-91.
- Iamsiraroj, S. (2016). The foreign direct investment–economic growth nexus. *International Review of Economics & Finance*, 42, 116-133.
- Kacprzyk, A. (2016). Economic freedom–growth nexus in European Union countries. *Applied Economics Letters*, 23(7), 494-497.
- Klapper, L., Amit, R., & Guillén, M. F. (2010). *Entrepreneurship and firm formation across countries. In International differences in entrepreneurship* (pp. 129-158). University of Chicago Press.
- Klapper, L., Laeven, L., & Rajan, R. (2006). Entry regulation as a barrier to entrepreneurship. *Journal of financial economics*, 82(3), 591-629.
- Krasniqi, B. A., & Desai, S. (2016). Institutional drivers of high-growth firms: country-level evidence from 26 transition economies. *Small Business Economics*, 47(4), 1075-1094.
- Lepojevic, V., Djukic, M. I., & Mladenovic, J. (2016). *Entrepreneurship and economic development: A comparative analysis of developed and developing countries*. Facta Universitatis, Series: Economics and Organization, 17-29.
- Levie, J., & Autio, E. (2011). Regulatory burden, rule of law, and entry of strategic entrepreneurs: An international panel study. *Journal of Management Studies*, 48(6), 1392-1419.

Levie, J., Autio, E., Acs, Z., & Hart, M. (2014). Global entrepreneurship and institutions: an introduction. *Small business economics*, 42(3), 437-444.

Mankiw, N. G., Romer, D., & Weil, D. N. (1992). A contribution to the empirics of economic growth. *The quarterly journal of economics*, 107(2), 407-437.

McMullen, J. S., Bagby, D. R., & Palich, L. E. (2008). Economic freedom and the motivation to engage in entrepreneurial action. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(5), 875-895.

Minniti, M. (2008). The role of government policy on entrepreneurial activity: productive, unproductive, or destructive? *Entrepreneurship theory and Practice*, 32(5), 779-790.

Minniti, M., & Lévesque, M. (2008). Recent developments in the economics of entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 23(6), 603-612.

Mohammadzadeh, Y., Hekmati Farid, S., Miraliashrafi, K. (2016). The effect of economic freedom on entrepreneurship development in selected countries. *Journal of Entrepreneurship Development*, 9(2), 357-376. (In Persian)

Nadiri, M., mohammadi, T. (2011), Estimating an Institutional Structure in Economic Growth Using GMM Dynamic Panel Data Method, *Economic Modeling*, 5(15), 1-24. (In Persian)

North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*. Cambridge university press.

North, D. C. (1994). Economic performance through time. *The American economic review*, 84(3), 359-368.

Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data. *Public choice*, 136(3-4), 269-282.

Román, C., Congregado, E., & Millán, J. M. (2013). Start-up incentives: Entrepreneurship policy or active labour market programme? *Journal of Business Venturing*, 28(1), 151-175.

Romer, D. (2018). *Advanced macroeconomics*. Mcgraw-hill.

Saunoris, J. W., & Sajny, A. (2017). Entrepreneurship and economic freedom: cross-country evidence from formal and informal sectors. *Entrepreneurship & Regional Development*, 29(3-4), 292-316.

Sautet, F. (2013). Local and systemic entrepreneurship: Solving the puzzle of entrepreneurship and economic development. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 37(2), 387-402.

Schumpeter, J. A. (1934). *The theory of economic development: An inquiry into profits, capital, credit, interest, and the business cycle* (1912/1934). Transaction Publishers. –1982.–January, 1, 244.

Schwab, K., & Sala-i-Martin, X. (2016). *The global competitiveness report 2013–2014: Full data edition*. World Economic Forum.

Sergi, B. S., Popkova, E. G., Bogoviz, A. V., & Ragulina, J. V. (2019). *Entrepreneurship and economic growth: the experience of developed and developing countries*. In *Entrepreneurship and Development in the 21st Century*. Emerald publishing limited.

Simón-Moya, V., Revuelto-Taboada, L., & Guerrero, R. F. (2014). Institutional and economic drivers of entrepreneurship: An international perspective. *Journal of Business Research*, 67(5), 715-721.

Stam, E., & Van Stel, A. (2011). Types of entrepreneurships and economic growth. *Entrepreneurship, innovation, and economic development*, 78-95.

Stam, E., Hartog, C., Van Stel, A., & Thurik, R. (2011). *Ambitious entrepreneurship, high-growth firms and macroeconomic growth*. *The dynamics of entrepreneurship: Evidence from global entrepreneurship monitor data*, 231-249.

Urbano, D., & Alvarez, C. (2014). Institutional dimensions and entrepreneurial activity: an international study. *Small business economics*, 42(4), 703-716.

Urbano, D., Aparicio, S., & Audretsch, D. (2019). Twenty-five years of research on institutions, entrepreneurship, and economic growth: what has been learned? *Small Business Economics*, 53(1), 21-49.

Valliere, D., & Peterson, R. (2009). Entrepreneurship and economic growth: Evidence from emerging and developed countries. *Entrepreneurship & Regional Development*, 21(5-6), 459-480.

Van Stel, A., Carree, M., & Thurik, R. (2005). The effect of entrepreneurial activity on national economic growth. *Small business economics*, 24(3), 311-321.

Van Stel, A., Storey, D. J., & Thurik, A. R. (2007). The effect of business regulations on nascent and young business entrepreneurship. *Small business economics*, 28(2-3), 171-186.

Venkataraman, S. (2019). *The distinctive domain of entrepreneurship research. In Seminal ideas for the next twenty-five years of advances*. Emerald Publishing Limited.

Wennekers, S., & Thurik, R. (1999). Linking entrepreneurship and economic growth. *Small business economics*, 13(1), 27-56.

Wennekers, S., Van Wennekers, A., Thurik, R., & Reynolds, P. (2005). Nascent entrepreneurship and the level of economic development. *Small business economics*, 24(3), 293-309.

Wiseman, T., & Young, A. T. (2013). Economic freedom, entrepreneurship, & income levels: some US state-level empirics. *American Journal of Entrepreneurship*, 6(1), 104-125.